

اتحاد جبهه‌ای مردم ایران برای استقرار جمهوری سکولار دموکراتیک

تپیدن‌های دل‌ها ناله شد آهسته آهسته
ز اشک و آه مردم بوی خون آید که آهن را
به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زانرو
رساتر گر شود این ناله‌ها، فریاد می‌گردد
دهی گر آب و آتش، دشنه فولاد می‌گردد
که بنیاد جفا و جور بی بنیاد می‌گردد
شادروان فرخی یزدی

هموطنان گرامی،

اینک سراسر وجود حکومت جمهوری اسلامی ایران را موربانه‌های فساد، جنایت، دروغ، فریب، غارت ثروت ملی، و ویران‌سازی کشور ما فرا گرفته، مردم ایران را دچار فقر و فلاکت ساخته و میهن عزیزمان را به سوی نابودی و اضمحلال سوق داده است.

خوشبختانه هم اکنون شراره‌ها و جرقه‌هایی در فضای سیاسی ایران پدیدار شده که نویدبخش دگرگونی این شراره‌ها به شعله‌های فروزان آزادی و رهایی از قید و بند استبداد دینی است.

تظاهرات مردمی و اصیل دی‌ماه ۱۳۹۶ که نه در صد شهر بلکه به گفته علی ربیعی وزیر کار سابق دولت روحانی در یکصد و شصت شهر ایران روی داد، طی دو روز به شورش‌های علیه کل نظام مبدل شد و شرایط ذهنی و عینی جامعه را بیش از هر زمان دیگری آماده پذیرش تغییر نظام حکومتی کشورمان ساخت.

صدور بیانیه پانزده امضایی مورخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۶ که مشتمل بر سه محور اساسی ذیل بود: اصلاح ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران، گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی، و طریق گذار برگزاری رفراندوم جهت تعیین حکومت آینده ایران، قدم بزرگ و شجاعانه‌ای برای رسیدن به آزادی و دموکراسی بود، که برداشته شد. ما تحیت‌های خود را به پانزده نفر از امضاکنندگان بیانیه فوق‌الذکر بخصوص به آقای ابوالفضل قدیانی عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که عمری در مبارزه با ظلم و استبداد گذرانده و آقای دکتر محسن کدیور که مشهور خاص و عامند و ایشان نیز از نیش زهرآلود جمهوری اسلامی ایران بی‌نصیب نمانده تقدیم می‌نماییم و توصیه و رهنمودهای آقای ابوالفضل قدیانی را تأیید و اجرای آن را به همگان، در حد امکاناتشان، سفارش می‌کنیم:

"نظر به اینکه رهایی از این وضعیت نیازمند اراده فعالین سیاسی و مدنی و البته حمایت مردم است، در بزرگوار استیصال استبداد، وقت آنست که همه منتقدان، اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان که دل در گرو این مرز و بوم دارند به این حرکت اصیل مردمی بپیوندند."

نیک‌بختانه این حرکت اصیل از جانب گروه دیگری از بانوان و آقایان، که اکثراً از داغدیدگان جمهوری اسلامی هستند، با انتشار بیانیه‌هایی دنبال شد. این گروه اعلام داشتند که در کشور ما نه از جمهوریت خبری هست و نه از آزادی. لذا خواهان استعفای سیدعلی خامنه‌ای، به اصطلاح "ولی فقیه" و تغییر قانون اساسی شدند. بیانیه دوم این گروه، که تحوّل در خواسته‌هایشان بود، بدین شرح است: "ما چهارده تن بی‌هیچ واهمه و پروایی نظام جمهوری اسلامی را نظامی برآمده از قوانین استبدادی می‌دانیم و با نشانه رفتن دقیق مبانی و مظهر مفساد این نظام که همانا «قانون اساسی» و جایگاه ولی فقیه و «رهبری» است خواستار مطالبات بر حقوق خود و بخش وسیعی از مردم خویش

هستیم. به بیانی واضح‌تر، با کلیت این حکومت و حاکمیت همه نهادها و قوای آن مخالفیم و معتقدیم هیچ راهی برای بازسازی و نوسازی این رژیم وجود ندارد.

ما چهارده تن در پی گذاری مسالمت‌آمیز از این رژیم «ایران ویران کن» هستیم. ما نیز در آرزوی برخورداری از حکومتی دموکراتیک و سکولاریم که قانون اساسی آن بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شده باشد. آنچه ما چهارده تن با انتشار بیانیه‌های خویش در پی آن بوده و هستیم، یک مطالبه فراجناحی برای «عبور کامل» از نظام جمهوری اسلامی بوده و متعلق به همه آزادی‌خواهان راستین با هر گرایش سیاسی و عقیدتی است.

این نکته را نیز برای تنبه مدعیانی که خود را دموکرات، آزادیخواه و وطن‌دوست می‌نامند، ولی تسلیم‌طلبانه خود را از میدان مبارزه کنار می‌کشند یادآور می‌شویم که به محض پیدایش گروهی در اروپا به سخنگویی آقای حسن شریعتمداری که خواهان استقرار یک حکومت سکولار و دموکرات به جای نظام جمهوری اسلامی در ایران شدند، شیردلانی نظیر سرکار خانم نسرین ستوده و آقای عبدالفتاح سلطانی وجود دارند که از زیر "گیوتین اوین" پیوستن خود را به این جمع اعلام داشتند و از آنچه ممکن است در کشتارگاه اوین برایشان پیش آید نهراسیدند.

شادمان از اینکه شعارهای اصلی مبارزان تغییر رژیم به شعارهای واحدی تبدیل می‌شود و مسیر اتحاد و همکاری جبهه‌ای فراهم می‌گردد؛ ما همه مردم رنجیده ایران و به ویژه کنشگران آزادی و دموکراسی را، به حمایت و تأیید مبارزه اصیلی که آغاز گردیده، در حد امکانات و مقدوراتشان دعوت می‌کنیم.

پیروز باد اتحاد جبهه‌ای مردم ایران برای استقرار جمهوری سکولار دموکراتیک در کشور و تدوین قانون اساسی بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر!

گروه پیام رهائی